

چرا اجازه رهبر معظم انقلاب به تفاهم‌نامه اخیر نه یک تأیید مطلق که اتمام حجتی براساس مسئولیت‌پذیری دولت بود

منطق الهی در نسبت تعهد کارگزار و اذن ولی

در پی صدور پیام مهم رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای درباره تفاهم‌نامه اخیر میان رؤسای جمهور ایران و آمریکا و بروز برخی پرسش‌ها در فضای



نخبگانی، تبیین منطق حاکم بر این تصمیم ضرورت مضاعف یافته است. در یادداشت پیش رو، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدینی، کارشناس دینی به بررسی ریشه‌های معرفتی این پیام و تفاوت بنیادین میان دو نوع نگاه به اداره جامعه می‌پردازد. این اذن راهبردی که بر پایه پذیرش مسئولیت از سوی دولت شکل

ایستگاه دولت اسلامی و چالش عبور از ساختار به جامعه

برای درک چرایی وضعیت امروز باید به الگوی کلان تمدن‌سازی نگاه کرد. براساس نگاهی که رهبر شهید ما ترسیم کرده بودند، انقلاب اسلامی پنج مرحله اساسی را پیش رو داشت: انقلاب، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی. ما در دو مرحله اول یعنی پیروزی انقلاب و استقرار نظام و قانون اساسی با موفقیت عمل کردیم، اما چالش اصلی از مرحله سوم یعنی دولت اسلامی آغاز شد. دولت اسلامی به معنای کارگزاری است که تمام وجود و تفکرشان منطبق بر آرمان‌های انقلاب باشد. واقعیت این است که در دهه‌های اخیر، ما در این مرحله متوقف شده ایم. علت این توقف، تشتت تفکرهای مختلف در دولت‌های گوناگون بوده است. از دولت‌های مستعجل ابتدای انقلاب تا دوران دفاع مقدس که به دلیل ضرورت‌های جنگ، ساختار اجرایی در اختیار تفکری متفاوت با نگاه امام قرار گرفت و رئیس‌جمهور وقت نقش تشریفاتی داشت. پس از آن نیز هر بار نوعی از نگاه زمینی بر قوه مجریه حاکم شد که با مبانی اصیل فاصله داشت. این تفاوت نگاه‌ها سبب شد روند ثباتی برای تحقق دولت اسلامی شکل نگیرد و به تبع آن، عبور به سمت جامعه اسلامی و تمدن اسلامی با کندی روبه‌رو شود.

روایت زمینی و بن بست محاسبات مادی

آنچه امروز در فضای سیاسی و دیپلماسی شاهد هستیم، تقابل دو نوع روایت است. روایت زمینی براساس حواس پنج‌گانه و داده‌های محسوس شکل می‌گیرد. در این نگاه، مسئولان و مشاوران پشت میز می‌نشینند و انبیا را، موجودی خزانه، تعداد موشک‌ها و توان اقتصادی دشمن را می‌شمارند. این محاسبات به خودی خود غلط نیست، اما وقتی مبنای دستگاه محاسباتی قرار می‌گیرد، به بن‌بست منتهی می‌شود.

در روایت زمینی، اگر دشمن ناوهایش را حرکت دهد یا فشار اقتصادی را زیاد کند، تحلیلگر دچار هراس شده و تنها راه را در عقب‌نشینی یا صلح می‌بیند. این همان منطقی بود که در جریان کره، بزرگانی چون ابن‌عباس و محمد حنفیه را واداشت تا امام حسین(ع) را از رفتن منع کنند؛ چون آن‌ها فقط عدد سربازان بریدار می‌دیدند. امروز هم اگر اقتصاددانان با سیاستمدار مافقط به روایت زمینی تکیه کنند، در برابر تهدید دشمن به استیصال می‌رسد و تصور می‌کنند بدون تفاهم یا قدرت‌های مادی، زندگی ممکن نیست. این نگاه در دهه‌های گذشته بارها تکرار شده و نتیجه آن، وابستگی و توقف رشد در مسیر دولت اسلامی بوده است.

بعثت مردم و معجزه حضور در نقاط بن بست

در مقابل روایت زمینی، روایت الهی قرار دارد که مبتنی بر سنن تغییرناپذیر خداوند است. رهبری نظام به عنوان نخ تسبیح حکومت، نگاهش بر این روایت استوار است. در روایت الهی، سنت خدا این است که اگر دشمن حمله کند، قطعاً شکست خواهد خورد. این نگاه معتقد است حضور مردم در صحنه تمام محاسبات مادی دشمن را به هم می‌ریزد. در سال‌های اخیر بارها شاهد بودیم هر جا دولت‌ها ساختارها در حل بحران‌ها توانا بودند، این بعثت مردم بود که گره‌گشایی کرد. در فتنه‌های گوناگون از سال ۸۸ تا حوادث سال‌های اخیر، زمانی که دشمن تصور می‌کرد کار تمام است، حضور یکپارچه مردم در خیابان‌ها مانند یک ارتش عظیم عمل کرد و تمام نقشه‌های چندجانبه را شست و با خود برد. این همان بلوغ جامعه اسلامی است. وقتی دولت اسلامی در تحقق اهدافش لنگ می‌زند، رهبری با تکیه بر جامعه اسلامی و بعثت مردم، مسیر را باز می‌کند. مردم نشان داده‌اند حتی زیر فشارهای شدید اقتصادی، وقتی پای اصل نظام در میان باشد، با شوقی الهی به میدان می‌آیند و این همان قدرتی است که در محاسبات زمینی دشمن و برخی مسئولان نمی‌گنجد.

منطق اجازه رهبری و آزمون مسئولیت‌پذیری دولت

پیام اخیر رهبر معظم انقلاب درباره تفاهم‌نامه با آمریکا را باید در همین چارچوب تحلیل کرد. ایشان صراحتاً می‌فرمایند علی‌الاصول نظر دیگری دارند. این نظر متفاوت، ناشی از همان روایت الهی و باور به استیصال دشمن است. اما چرا اجازه صادر شد؟ پاسخ در تعهد و قبول مسئولیت توسط رئیس‌جمهور نهفته است.

رهبر معظم انقلاب با این اقدام، در واقع فرصتی برای آزمون دوباره روایت زمینی فراهم کردند تا مسئولان اجرایی که معتقدند راه حل در این مسیر است، خود متکفل امر شوند و مسئولیت نتایج آن را بپذیرند. این یک حرکت تربیتی در تراز نظام اسلامی است. ایشان نمی‌خواهند با نگاهی دستوری، مانع تجربه مسئولان شوند، بلکه با نظارت و تعیین شروط، اجازه می‌دهند مسیر طی شود. در حالی که خود و ملت را در جایگاه ناظر و منتظر تحقق وعده‌ها قرار می‌دهند. این پیام نشان می‌دهد قدرت واقعی نه در متن تفاهم‌نامه‌ها، بلکه در رگ‌های این ملت جاری است که در سخت‌ترین لحظات، رهبری حقیقی میدان را بر عهده می‌گیرد.

سنت‌های الهی و فرجام تکیه بر قدرت مردم

در نهایت باید گفت براساس آیات سوره فتح، بیعت با امام نتایج دارد که فراتر از محاسبات مادی است. اگر ما به سنت‌های الهی باور داشته باشیم، می‌فهمیم حتی ۲۰ نفر صابر بر ۲۰۰ نفر غلبه می‌کنند. این یک فرمول ریاضی در روایت الهی است. مشکل امروز ما این است که هنوز باور به حضور مردم در تمام عرصه‌های اقتصادی و سیاسی در بنده اجرایی شکل نگرفته است. مسئولان نباید مردم را فقط برای پای صندوق‌های رای بخواهند.

تجربه نشان داده هر جا به مردم اعتماد شده، حتی در اوج تحریم‌ها و خزانه خالی، گشایش‌های معجزه‌آسا رخ داده است. جمع‌بندی سخن این است که تفاهم‌نامه‌ها می‌آیند و می‌روند، اما آنچه نظام را حفظ می‌کند و دشمن را به عقب می‌راند، بعثت دائمی مردم و ایستادگی بر روایت الهی است. ما باید یاد بگیریم به جای نگاه نقطه‌ای به حوادث، نگاه روندی داشته باشیم و بدانیم در نهایت، این اراده الهی است که از آستین این ملت باوفا بیرون آمده و پیروزی نهایی را رقم خواهد زد.

روایتی از هشت گام سبز آستان قدس رضوی در میناب

آغوش امام مهربانی‌ها علیه السلام پناه زخم‌های «شجره طیبه»

در روزهایی که غبار سنگین یک فاجعه، آسمان میناب را تیره کرده و این شهر در بهت فقدان ۱۶۸ غنچه نواخته به سوگ نشسته بود، طنین گام‌های خادمان خورشید، سکوت غمبار شهر را شکست. آستان قدس رضوی با تدوین منظومه‌ای از خدمات جامع در قالب هشت گام راهبردی، از بازسازی کالبدی تا ترمیم روان‌های خسته، جغرافیای میناب را به عطر بی‌بدیل کرامت رضوی پیوند زد تا ثابت کند در سایه‌سار پرچم سبز خراسانی، هیچ دردی غریب نمی‌ماند.

۱۰۰ روز پس از تهاجم آهن و آتش

بیش از ۱۰۰ روز از آن نیمروز شوم می‌گذرد؛ لحظه‌ای که تلاطم جنگی نابرابر، دامن کلاس درس را گرفت. شلیک موشک کروز آمریکایی به سوی مدرسه میناب، تنها یک واقعه نظامی نبود، بلکه سقوط انسانیت در ترازوی مدعیان حقوق بشر بود. ۱۶۸ لیخنه، ۱۶۸ رؤیا و ۱۶۸ زندگی در چشم‌برهم‌زدنی به خاکستر و خاطره بدل شد؛ کودکانی شش تا دوازده ساله که پیکرهای کوچکشان، راوی مظلومیتی شد که تاریخ جهان هرگز آن را فراموش نخواهد کرد.

امروز میناب «جان ایران» است. غم مدرسه «شجره طیبه» آتشی به جان هر انسان آزاده‌ای انداخته است. چگونگی می‌توان بغض پدری را روایت کرد که «حامد» و «هانی» را با هم به خاک سپرد؟ یا حسرت مادری که فرزندش را پس از بهبودی از بیماری، با شوق راهی مدرسه کرد و دیگر هرگز صدای گام‌هایش را نشنید؟ امروز ۲۸۰ دانش‌آموز بازمانده، میراث‌دار داغی هستند که تنها با معجزه مهر التیام می‌یابند.



حضور در هر جا که دردی هست

در سال‌های اخیر، در بزنگاه‌های اجتماعی و آنجا که بحرانی پدید آمده به ویژه در حوادثی همچون سیل و زلزله و این اقدامات، آستان قدس رضوی نیز تلاش کرده در راستای مسئولیت‌های اجتماعی خود تا حد توان حضور یابد و باری از دوش کشور بردارد. ماجرای مدرسه میناب و جنایت بی‌سابقه آمریکایی صهیونی، از شمار همین بزنگاه‌هایی بود که حضور آستان قدس رضوی می‌توانست منشأ اثر باشد. در آن دیدار، آیت‌الله مروی به خانواده شهیدان ذاکری به عنوان نمایندگان خانواده‌های ۱۶۸ شهید مدرسه میناب، وعده اجرایی سه اقدام حمایتی بزرگ برای میناب را ارائه و

عنوان کرد: دوستان ما در آستان قدس رضوی مقدمات سه اقدام راه‌چرخه‌سریع‌تر فراهم کنند:

- گلزار شهدای عزیز مدرسه شجره طیبه میناب باید به‌نحوی بسیار خوب، زیبا و در شأن آنان ساخته شود.
- همه خانواده‌های شهدای عزیز میناب به‌تدریج میهمان حضرت رضاع(ع) شوند.
- به نام مقدس هشتمین امام معصوم(ع)، هشت مدرسه در مناطق کم‌برخوردار به نام «شجره طیبه رضویه» ساخته شود.

گام اول: معماری ارادت؛ بنای یادبودی در شأن شهیدان

ساخت گلزار شهدای دانش‌آموز با بهره‌گیری از معماری فاخر ایرانی-اسلامی کلید خورده است. آستان قدس با فراخوان ملی برای طراحی این بنا، در پی خلق معیادگاهی است که نماد پیروزی مظلومیت باشد. تا تکمیل طرح، اقداماتی فوری شامل کف‌سازی، ایجاد سایه‌بان‌های دائم و تجهیزات سرمایشی در محل مزارها به بهره‌برداری رسیده است.



نسیمی از سخن و سرا؛ وقتی دل آرام می‌گیرد

در اوج این تلاطم جانکاه، نسیمی مشک‌فشان از سمت مشهدالرضا(ع) وزیدن گرفت. همه چیز از یک معیاد صمیمانه آغاز شد؛ وقتی والدین شهیدان «ذاکری» با قلک‌های کوچک و سفالین فرزندان‌شان به محضر تولیت آستان قدس رضوی شرفیاب شدند. مادر با چشمانی بارانی و صدایی لرزان گفت: «بچه‌ها هر سال این قلک‌ها را برای امام رضاع(ع) پر می‌کردند؛ امسال خودشان کیوتر حرم شدند، اما نذرشان نباید زمین بماند». در این دیدار، آیت‌الله مروی با مهر و عطوفت از خانواده شهیدان دلجویی و اظهار کرد: «فرزندان شما جان‌شان را تقدیم امام رضاع(ع) کردند. آنان خون پاک و معصوم خود را نثار حضرت رضاع(ع) کردند؛ خوش‌حاله‌تان. این قلک‌ها را نگه دارید تا نمادی از دلدادگی، عشق و محبت کودکان معصوم آب و خاک به حضرت ثامن‌الحجج(ع) باشد».

این پیوند قلبی با ضریح مطهر، سرآغاز یک جهاد خدمت‌رسانی شد. آیت‌الله مروی، تولیت آستان قدس رضوی با تأکید بر اینکه این نونهالان، زائران حقیقی و ابدی حریم رضوی هستند، دستور اجرای هشت اقدام حمایتی را صادر کرد تا سفره کرامت حضرت، تمام میناب را دربرگیرد.



۸ فرزند ماندگار؛ از معیادگاه شهدا تا نذر شفای نونهالان

با این دستور، خادمان حضرت رضاع(ع) در آستان قدس رضوی مأموریت یافتند با سفر به میناب، زمینه اجرای امریه تولیت را فراهم کنند. با پیش و بررسی‌های میدانی، اما سفره کرامت رضوی در این شهر پهنه وسیع‌تری یافت و گزارش چند نیاز دیگر نیز به آیت‌الله مروی ارائه شد که مورد موافقت قرار گرفت. یعنی آستان قدس رضوی در راستای دلجویی از مردم شریف میناب و آسیب‌دیدگان حادثه مدرسه، هشت اقدام حمایتی عمرانی و اجتماعی را برای این شهر در دستور کار قرار داد. آنچه در ادامه می‌آید، گزارشی از تحقق وعده‌هایی است که با مهر ضمانت آهو مزین شده‌اند.



گام دوم: امتداد شجره طیبه؛ هشت مدرسه به نام خورشید هشتم(ع)

یاد سلاله‌های سوخته میناب در گام‌های آموزشی ایران جاری می‌شود. ساخت هشت مدرسه با نام «شجره طیبه رضویه» در مناطق کم‌برخوردار هفت استان کشور آغاز شده که نخستین واحد آن در عید غدیر، در زادگاه بنیان‌گذار انقلاب(خمین) کلنگ‌زنی شد تا پیام مظلومیت میناب جهانی شود.



گام چهارم: مرکز مشاوره «مهر رضوی»؛ مرهمی بر روان زخم خورده

یکی از زخم‌مندانترین خدمات آستان قدس رضوی، راه‌اندازی کلینیک تخصصی مشاوره است. در این مرکز، زنده‌ترین روان‌شناسان کشور، روزانه پذیرای دانش‌آموزانی هستند که هنوز کابوس انفجار را در چشمان‌شان دارند، تا با روش‌های نوین، آن‌ها را به مدار عادی زندگی و تحصیل بازگردانند.



گام سوم: مشهد؛ پناهگاه دل‌های بی‌قرار

تجلی عینی واژه «پناه»؛ پناهر دعوت تولیت آستان قدس رضوی، تمامی خانواده‌های شهدا، مصدومان و بازماندگان حادثه مدرسه میناب، در دونوبت به ظرفیت ۸۰۰ نفر در دهه کرامت و دهه ولایت امسال-از میناب تا مشهد و از مشهد تا میناب- به مدت سه‌روز در مشهد مقدس اقامت داشته و میهمان حرم مطهر شدند. در این ایام، ویژه‌نامه‌هایی همچون حضور در مراسم اختصاصی غبارروبی برای این خانواده‌ها در فضایی معنوی برگزار شد.



گام پنجم: سخاوت رضوی؛ اهدای ۲ هزار بسته معیشتی

در ایام فرخنده عید ولایت، ۲ هزار بسته معیشتی (هر کدام به ارزش ۸ میلیون تومان) با حفظ کامل کرامت انسانی و به دور از هیاهو، توسط خادمایان در منازل آسیب‌دیدگان توزیع شد تا مرهمی بر معیشت خانواده‌های رنج‌دیده باشد.

گام هفتم: حمایت از خانواده‌های مجروحان و مصدومان حادثه مدرسه

در میان آسیب‌دیدگان حادثه مدرسه، شماری از خانواده‌ها دارای شرایط ویژه معیشتی اند که یکی دیگر از اقدامات هشت‌گانه آستان قدس، حمایت از آنان است. در این زمینه بررسی‌ها صورت گرفت و در خردادماه، مسئولان بنیاد کرامت رضوی با همراهی کانون خادمیاری میناب، کمک‌های ویژه این آستان مقدس را به منظور بهبود وضعیت معیشتی به آنان اهدا کردند. ضمن اینکه این آستان در راستای تأمین هزینه‌های درمان مصدومان حادثه، یار و همراه آسیب‌دیدگان است.

سایه‌بان همیشگی کرامت

حضور همه‌جانبه آستان قدس رضوی در میناب، فراتر از یک خدمت عمرانی، پیامی روشن به همراه داشت: «در ایران امام رضاع(ع) هیچ رنجی بی‌دوا و هیچ درمندی بی‌ملجأ باقی نمی‌ماند». اگرچه جای خالی شکوفه‌های مدرسه شجره طیبه با هیچ اقدامی پر نخواهد شد، اما شمیم کرامت رضوی سبب شده خانواده‌های داغدار بدانند در سایه‌سار پرچم سبز خورشید، دستی مقتدر و مهربان، همواره تکیه‌گاه آنان است. اینجا میناب است؛ شهری که حالابیش از هر زمان دیگری بوی سخن و سرای امام زئوف(ع) را می‌دهد و شهری «امام‌رضایی» شده است.



گام هشتم: مواکب خدمت و نشاط

برپایی هشت مواکب خدمت-فرهنگی در نقاط راهبردی میناب، نه تنها برای پذیرایی، بلکه برای ایجاد فضایی معنوی و نشاط‌آفرین طراحی شد تا پس از ایام سوگواری، روح زندگی و پویایی دوباره در کوچه‌های شهر جاری شود.

